

بخشی از سخنان نیما راشدانه در گردهم آیی رهبران سیاسی و نخبگان ایتالیایی در رم

لازم به ذکر است که مراسم "امروز من هم ایرانی ام!" به دعوت ۸۰۰۰ تن از عالیرتبه ترین مقامات سیاسی و نخبگان مطبوعاتی، سینما و صدها تن از نخبگان ایرانی مقیم ایتالیا انجام پذیرفت و با حضور بسیاری از مقامات سیاسی دولت - مجلسین، احزاب و دولتمردان سابق ایتالیایی در میدان کامپادفیوری رم برگزار گردید.

" ما بدون کمک شما نمی توانیم!"

خانمها و آقایان

من تردیدی ندارم که این روزهای دشوار برای ما و دانشجویان و جوانان ایرانی پایان خواهد یافت، آنچه می ماند ایرانی پر امید خواهد بود و سرشار از احترام. من اینجا ایستاده ام زیر مجسمه جردانو برونو، شما می دانید که او یک روحانی و فیلسوف منتقد بود و درست در همین مکان به جرم ارتداد به آتش کشیده شد. خانمها و آقایان من نمی دانم، تاریخ سکوت من و شما را در قبال رویدادهای ایران چگونه روایت خواهد کرد، من برای شما اوضاع کشورم را در یک جمله توصیف می کنم: " ۴۰۰ سال بعد از جردانو برونو دکتر هاشم آغا جری مدتی پیش دقیقاً به همین اتهام در ایران محکوم به مرگ گردید"، از آن دهشتبارتر وضعیت نویسندگان ایرانی است که به دست ماموران دولتی و با حکم و فتوای مذهبی ربوده و خفه شدند، آنها حتی از امکان ۴۰۰ پیش جردانو برونو برای محاکمه ظاهری نیز بی بهره ماندند، این وضع مملکت من است آقایان.

رهبران دانشجو در ایران دیروز نامه ای نوشتند به شما، به مردمان دنیای آزاد، به کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد. آنان امروز در زندان اند، بیایید به دانشجویان ایرانی کمک کنید. دانشجویان را تنها نگذاریم، ما بازی ای را آغاز کرده ایم که ناگزیر از به پایان بردنش هستیم.

من نیامده ام اینجا تا به شما بگویم در کشور من ۱۰۴ نشریه با دستور مستقیم علی خامنه ای تعطیل می شود، اینرا لابد شما هم می دانید. مگر در تاریخ چند بار چنین اتفاقی رخ داده است؟ من آمده ام تا به شما بگویم و از شما بخواهم و به شما التماس کنم، که مردم ایران را و جوانان ایرانی را و دانشجویان ایرانی را در این کارزار تنها نگذارید. من آمده ام اینجا فریاد کنم که آقایان و خانمها، " ما بدون کمک شما نمی توانیم!" یا نمی توانیم و یا مجبور به پرداخت هزینه ای گزاف خواهیم بود. دنیای امروز بسیار بهتر از گذشته است. دنیای امروز دنیای من ایرانی و شمای ایتالیایی نیست، دنیای ما است، دنیای یکپارچه و مشترک ما، شما به ما کمک خواهید کرد. رهبران تهران از استقلال می گویند: ظاهراً منظور ایشان استقلال عمل در آدمکشی است، استقلال را برای توقیف مطبوعات می خواهند، استقلال را برای ۱۸ تیر می خواهند، استقلال را برای قتلهای زنجیره ای می خواهند: من از این استقلال ابزار انزجار و نفرت می کنم! مشکل ما بدون کمک شما قابل حل نیست خانمها و آقایان!

آقایان و خانمها، مقامات جمهوری اسلامی می گویند، تعطیل ۴۰ نشریه در یک روز و زندانی کردن دهها روزنامه نگار بر اساس موازین قانونی بوده است، من این قضاوت را به وجدانهای آزاد بشری وا می گذارم، راستی کدام کودکی باور می کند که ۴۰ نشریه در یک روز مرتکب جرمی شوند، که همان روز همه محاکمه شوند و همان روز همه به یک مجازات مساوی یعنی توقیف ادبی محکوم گردند.

روزنامه نگار ایرانی، اکبر گنجی به جرم افشای اسرار دولتی در زندان است، همینطور ناصر زرافشان، شما می دانید که آنان درباره جزئیات قتل چند نویسنده نوشته اند به دست ماموران وزارت اطلاعات و حالا به جرم افشای اسرار دولتی در زندان اند. همانطور که مشاهده می فرمایید " بر اساس قوانین ایران ظاهراً قتل نویسندگان و ناراضیان از وظایف رسمی دولت به شمار می رود که افشای آن، افشای اسرار دولتی است" (خنده حضار)

یک مثال دیگر می زنم: آقای سعید امامی " رهبر محفل جنایتکار قتلهای زنجیره ای " یک قانون مطبوعات می نویسد، بعد از مرگ او، مجلس تازه تاسیس سعی می کند این قانون را تغییر دهد، حال توجه کنید که چه اتفاقی جالبی رخ می دهد: " دست سعید امامی از آستین آیت الله خامنه ای غیرمنتخب بیرون می آید و قانون مجلس منتخب مردم را با

تهدید و تو می کند " اینجا ما ناچاریم جوابی برای این سوال بیابیم : یا خامنه ای کارمند سعید امامی است ، یا سعید امامی کارمند خامنه ای است و یا هر دو برای فرد ثالثی کار می کنند. (خنده حضار)

خانمها و آقایان ، قانون اساسی و قوانین مدنی جمهوری اسلامی اساسی ترین آزادیهای انسان را بصورت سیستماتیک نقض می کند ، برای شما یک مثال می آورم : بر اساس تبصره یک ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران می توان یک دختر خردسال ۲-۳ ساله را و یا حتی یک نوزاد دختر ۲ ماهه را و کالتا به عقد یک پیرمرد ۹۰ ساله در آورد ، این قانون مملکت ماست (خنده حضار)

یک مطلبی بگویم و آن اینکه بعضی مواقع آدم می شنود برخی احزاب چپ یا سبز در اروپا جمهوری اسلامی ایران را "ضد امپریالیسم و سرمایه داری" می خوانند ، این یک دروغ بزرگ است. هیچ نظامی ، حتی فاشیستی ترین حکومتهای عصر حاضر به اندازه جمهوری اسلامی ایران ، مخالفان کمونیست ، سوسیالیست و چپ خود را به جوخه های مرگ نسپرده است. این حکومت رهبران احزاب کمونیست ایران را در حالیکه برخی ۷۰ سال سن داشتند تیرباران کرد. این تا جایی که می توانست به قلع و قمع شعر چپ ، ادبیات چپ و هر چیز چپ پرداخت ، کجای چنین حکومتی می تواند ضد امپریالیسم باشد؟

خانمها و آقایان من وقت شما را زیاد نمی گیرم ، فقط می خواستم اینجا با صدای بلند بگویم ، یعنی فریاد بزنم : " ما به همت مردم ایران ، به همت جوانان و روزنامه نگاران ایرانی و با کمک شما ، با کمک جامعه جهانی - سید علی خامنه ای دیکتاتور غیرمنتخب ، فاقد مشروعیت و ناتوان از جلب حمایت مردمی در ایران را وادار به تمکین خواهیم کرد. آری او در مقابل خواستهای مردم و جهان تمکین خواهد نمود - یکبار دیگر تکرار می کنم : ما خامنه ای را وادار به تمکین خواهیم نمود - او تمکین خواهد کرد. من به شما قول می دهم ! (تشویق حضار)

خانمها و آقایان خامنه ای حاکم غیرمنتخب ایران و بزرگترین دشمن مطبوعات در تاریخ بشر به گواهی آمار ، سرنوشتی جز چائشکو ، میلشویچ ، ملامحمد عمر و صدام حسین نخواهد داشت ، این را هم من به شما قول می دهم.

مشکرم